

اتی که باید به ثبت برسد به موجب نظامنامه معین خواهد کرد.

فصل سوم - دفتر - سوم

فصل سوم - دفتر

مداده 356 هر دلال باید دفتری داشته و کلیه معاملاتی را که به دالای او انجام گرفته به ترتیب ذیل در آن ثبت نماید:

1 - اسم متعاملین

2 - مالی که موضوع معامله است.

3 - نوع معامله.

4 - شرایط معامله با تشخیص به اینکه تسلیم موضوع معامله فوری است یا به وعده است.

5 - عوض مالی که باید پرداخته شود و تشخیص اینکه فوری است یا به وعده است وجه نقد است یا مال التجاره یا برات در صورتی که برات باشد به رویت است یا به وعده.

6 - امضاء طرفین معامله مطابق مقررات نظام نامه وزارت عدلیه. دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجاری است.

باب هفتم

حق العمل کاری (کمسیون)

مداده 357 حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد.

مداده 358 جز در مواردی که بموجب مواد ذیل استثناء شده مقررات راجع به وکالت در حق العمل کاری نیز رعایت خواهد شد.

مداده 359 حق العمل کار باید آمار از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصا در صورت انجام ماموریت این نکته را به فوریت به اوطلاع دهد.

ماده 360

ماده 360_ حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه آمر دستور داده باشد.

ماده 361

ماده 361_ اگر مال التجاره ای که برای فروش نزد حق العمل کار رسال شده دارای عیوب ظاهری باشد حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارت بحری (آواری) به وسائل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و امر را از اقدامات خود مستحضر کند والا مسئول خسارات ناشییه ازین غفلت خواهد بود.

ماده 362

ماده 362_ اگر بیع فساد سریع مال التجاره ای رود که نزد حق العمل کار برای فروش ارسال شده حق العمل کاری تواند و حتی در صورتی که منافع آمر ایجاب کند مکلف است مال التجاره را با اطلاع مدعی العموم محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او به فروش برساند.

ماده 363

ماده 363_ اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضربیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

ماده 364

ماده 364_ اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.

ماده 365

ماده 365_ اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که آمر معین بخرد یا به بیشتر از قیمتی که آمر تعیین نموده به فروش برساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب آمر محسوب دارد.

ماده 366

ماده 366_ اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذک اگر فروش نسیه داخل در عرف تجارتی محل باشد حق العمل کار مادون به آن محسوب می شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.

ماده 367

ماده 367_ حق العمل کار در مقابل آمر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتی بلد او را مسئول قاردهد.

ماده 368

ماده 368_ مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع آمر لازم بوده و همچنین هر مساعدی که به نفع آمر داده باشد باید اصلاً و منفعه به حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب آمر گذارد.

ماده 369

ماده 369_ وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجراء شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل آمر باشد نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.

ماده 370

ماده 370_ اگر حق العمل کار نادرستی کرده و مخصوصا موردی که به حساب آمر قیمتی علاوه بر قیمت خرید و یا کمتر از قیمت فروش محسوب دارد مستحق حق العمل نخواهد بود بعلاوه در صورت اخیر آمر می تواند خود حق العمل کار را خریداری فروشنده محسوب کند.

تبصره

تبصره - دستور فوق مانع از اجرای مجازاتی که برای خیانت در امانت مقررات است نیست.

ماده 371

ماده 371_ حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از اونسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت.

ماده 372

ماده 372_ اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر از اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد حق العمل کار می تواند آنرا با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نمایند اوبطریق مزایده به فروش برساند. اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد فروش بدون حضور او نمایند اوبعمل خواهد آمد ولی در هر حال قبلاباید به او خطاریه رسمی ارسال گردد مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد.

ماده 373

ماده 373_ اگر حق العمل کار مامور به خرید یا فروش مال التجاره یا استند تجاری یا سایر اوراق بهادری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مامور به خرید آن بوده خود شخصا به عنوان فروشنده تسلیم بکند و یا چیزی را که مامور به فروش آن بوده شخصا بعنوان خریدار نگاهدارد مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد.

ماده 374

ماده 374 درمورد ماده فوق حق العمل کار باید قیمت را برطاق مظنه بورسی یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل وهم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند.

ماده 375

ماده 375 درموردی که حق العمل کار شخصا می تواند خریداری فروشنه واقع شود اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

ماده 376

ماده 376 اگر ا مازامر خود رجوع کرده و حق العمل کار قبل از ارداد خبر معامله از این رجوع مستحضر گردد دیگر نمی تواند شخصا خریداری فروشنه واقع شود.

باب هشتم

قرارداد حمل ونقل

ماده 377

ماده 377 متصدی حمل ونقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را به عهده می گیرد.

ماده 378

ماده 378 قرارداد حمل ونقل تابع مقررات وکالت خواهد بود مگر مواردی که ذیلا استثناء شده باشد.

ماده 379

ماده 379 ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل ونقل پراساند آدرس صحیح مرسل الیه، محل تسلیم مال، عدل، یا بسته و طرز عدل بندی، وزن و محتوی عدلها، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود

راهی را که حمل باید از آن را بعمل آید. قیمت اشیائی که گرانها است خسارات ناشییه از عدم تعیین نکات فوق ویا ازتعیین آنها به غلط متوجه ارسال کننده خواهد بود.

ماده 380

ماده 380 ارسال کننده باید مواظبت نماید که مال التجاره طرزمناصبی عدل بندی شود. خسارات بحری (آواری) ناشی ازعیوب عدل بندی بعهدہ ارسال کننده است.

ماده 381

ماده 381 اگر عدل بندی عیب ظاهری داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.

ماده 382

ماده 382 ارسال کننده می تواند مادام که مال التجاره درید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات اوپس بگیرد.

ماده 383

ماده 383 درموراد ذیل ارسال کننده نمی تواند ازحق استرداد مذکوردر ماده 382 استفاده کند:

1- در صورتی که برنامه ای توسط ارسال کننده تهیه و به وسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

2- در صورتی که متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد.

3- در صورتی که متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد که مال التجاره به مقصد رسیدیه و باید آنرا تحویل گیرد.

4- در صورتی که پس از وصول مال التجاره به مقصد مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. دراین موارد متصدی حمل و نقل باید مطابق دستورمرسل الیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به

ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستورمرسل الیه نخواهد بود مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد.

ماده 384

ماده 384 اگرمرسل الیه مال التجاره را قبول نکدو یا مخارج وسایر مطالبات متصدی حمل ونقل بابت مال التجاره تادیبه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد متصدی حمل ونقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاهداشته و یا بنزد هرتالئی امانت کذار د و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عیب بهعهده ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند متصدی حمل ونقل می تواند مطابق ماده 362 آن را بفروش رساند.

ماده 385

ماده 385 اگر مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا با قیمتی که می توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن شده تکافو نماید متصدی حمل ونقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی العموم بدایت محل یا نماینده اورسانیده و با نظارت اومال را به فروش برساند. حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره به فروش خواهد رسید مسبق نمود.

ماده 386

ماده 386 _ اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل ونقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید

ماده 387

ماده 387 _ در مورد خسارات ناشیه از تخریب تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل ونقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود.

ماده 388

ماده 388_ متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد.

ماده 389

ماده 389_ متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل الیه را مستحضر نماید.

ماده 390

ماده 390_ اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می نماید قبول نکند حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت مگر اینکه مبلغ متنازع فیه را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.

ماده 391

ماده 391_ اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود در صورتی که مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی مال التجاره ممکن بود بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشتم روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.

ماده 392

ماده 392_ در هر موردی که بین متصدی حمل و نقل و مرسل الیه اختلاف باشد محکمه صلاحیتدار محل می تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده و یا لدی الاقتضاء فروخته شود. در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورت مجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید.

بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعای شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه

از فروش مال التجاره می توان جلوگیری کرد.

ماده 393

ماده 393 _ نسبت به دعوی خسارت برعلیه متصدی حمل ونقل مدت مرورزمان یک سال است.مبدای این مدت درصورت تلف یا گم شدن مال التجاره ویا تخیردرتسلیم روزی است که تسلیم بایستی درآن روزبعمل آمده باشد ودرصورت خسارات بحری (آواری)روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده.

ماده 394

ماده 394 _ حمل ونقل بوسیله پست تابع مقررات این باب نیست.

باب نهم

قائم مقام تجارتی وسایر نمایندگان تجارتی

ماده 395

ماده 395 _ قائم مقام تجارتی کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امورمربوطه به تجارت خانه یا یکی ازشعب آن نایب خود قرارداده وامضای او برای تجارتخانه الزام آوراست.سمت مزبورممکن است کتب داده شود.

یا عملا.

ماده 396

ماده 396 _ تجدید اختیارات قائم مقام تجارتی درمقابل اشخاصی که ازان اطلاع نداشته اند معتبرنیست.

ماده 397

ماده 397 _ قائم مقامی تجارتی ممکن است به چند نفرمجتمعا داده شود با قید اینکه تا تمام امضاءنکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی درمقابل اشخاص ثالثی که ازاين قید اطلاع نداشته اند فقط درصورتی می

توان ازاان استفاده کرد که این قید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.

ماده 398

ماده 398 _ قائم مقام تجاری بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی تواند کسی را در کلیه کارهای تجارت خانه نایب خود قرار دهد.

ماده 399

ماده 399 _ عزل قائم مقام تجاری که وکالت او به ثبت رسیده و اعلان شده باید مطابق مقررات وزارت عدلیه به ثبت رسیده و اعلان شود.

ماده 400

ماده 400 _ با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجاری منعزل نیست با انحلال شرکت قائم مقام تجاری منعزل است.

ماده 401

ماده 401 _ وکالت سایر کسانی که در قسمتی از امور تجارت خانه یا شعبه تجارتخانه سمت نمایندگی دارند تابع مقررات عمومی راجع به وکالت است.

باب دهم

ضمان

ماده 402

ماده 402 _ ضامن وقتی حق دارد از مضمون له تقاضا نماید که بدو به مدیون اصلی رجوع کرده و در صورت عدم وصول طلب به ارجاع نماید که بین طرفین (خواه ضمن قرارداد مخصوص خواه درخود ضمانت نامه) این ترتیب مقرر شده باشد.

ماده 403

ماده 403_ در کلیه مواردی که بموجب قوانین یا موافق قراردادهای خصوصی ضمان تضامنی باشد طلبکاری تواند به ضامن و مدیون اصلی مجتمعا رجوع کرده یا پس از رجوع به یکی از آنها و عدم وصول طلب خود برای تمام یا بقیه طلب به دیگری رجوع نماید.

ماده 404

ماده 404_ حکم فوق در موردی نیز جاری است که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضامنا مسئول انجام تعهدی باشد.

ماده 405

ماده 405_ قبل از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تادیه نیست و لواین که با استه و روشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین موجل احوال شده باشد.

ماده 406

ماده 406_ ضمان حال از قاعده فوق مستثنی است.

ماده 407

ماده 407_ اگر حق مطالبه دین اصلی مشروط به اختار قبلی است این اختارنسبت به ضامن نیز باید بعمل آید.

ماده 408

ماده 408_ همین که دین اصلی به نحوی از انحاء ساقط شد ضامن نیز بر می شود.

ماده 409

ماده 409_ همین که دین حال شد ضامن می‌تواند مضمون له را به دریافت طلب یا انصراف از ضامن ملزم کند و لوضمان موجل باشد.

ماده 410

ماده 410_ استنکاف مضمون له از دریافت طلب یا امتناع از تسلیم و وثیقه اگر دین با وثیقه بوده ضامن را فوراً وبخودی خود بری خواهد ساخت.

ماده 411

ماده 411_ پس از آنکه ضامن دین اصلی را پرداخت مضمون له باید تمام استند ومدارگی را که برای رجوع ضامن به مضمون عنه لازم و مفید است به اوداده و اگر دین اصلی با وثیقه باشد آن را به ضامن تسلیم نماید، اگر دین اصلی و وثیقه غیر منقول داشته مضمون عنه مکلف به انجام تشریفاتى است که برای انتقال وثیقه به ضامن لازم است.